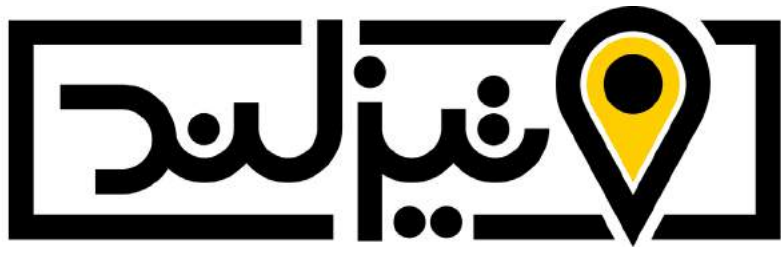


w w w . t i z l a n d . i r



۲۰

شماره بیستم  
تیر ماه ۹۸

مرجعی برای همه دانش‌آموزان باهوش سرزمینمان، ایران



شماره بیستم تیر ماه ۹۸



نشریه داخلی سرزمین تیزهوش‌ها «انتشار الکترونیک»

تیزلند | [www.tizland.ir](http://www.tizland.ir) | ۰۲۱۸۸۹۹۶۳۱۶-۱۷

مدیر مسئول: عادل طالبی [adeltalebi@tizland.ir](mailto:adeltalebi@tizland.ir)

مدیر اجرایی: شیرین محمدی [mohamadi@tizland.ir](mailto:mohamadi@tizland.ir)

طراح گرافیک و صفحه‌آرا: یاسمن مرادی

تاریخ انتشار: تیر ۱۳۹۸، شماره بیستم

منبع مطالب: سایت تیزلند و سایت چطور

انتشار این فایل به صورت الکترونیک آزاد است.

## فهرست محتوا:

- ۱ آموزش زبان برای کودکان، ۱۰ روش کاربردی و ساده
- ۲ کنترل عصبانیت در کودکان با ۵ تکنیک موثر و کاربردی
- ۳ آموزش مدیریت مالی به کودکان
- ۴ دوست خیالی کودکان و ۴ نکته که والدین باید درمورد آن بدانند
- ۵ درباره علم نانو و مخترعش چی می دونی؟
- ۶ قشم‌گردی، یک پیشنهاد عالی برای کودک تیزهوش شما

## آموزش زبان برای کودکان، ۱۰ روش کاربردی و ساده

آموزش زبان برای کودکان از سنین خردسالی، دغدغه بسیاری از والدین امروزی است. خیلی از پدرمادرهای کودکان دو یا سه ساله، عقیده دارند تسلط به مکالمه زبان انگلیسی، می‌تواند به کودکشان کمک کند تا در این روزگار جهانی‌شدن، از دیگران جلو بیفتند. آن‌ها معتقدند هر قدر بچه‌ها زودتر شروع به یادگیری کنند، بهتر است. در ادامه با ۱۰ روش ساده و کاربردی آموزش زبان به کودکان آشنا می‌شوید.

### ۱. خودتان هم انگلیسی یاد بگیرید

برای ایجاد نگرشی مثبت نسبت به یادگیری، و اصلاً نسبت به انگلیسی به‌عنوان زبان دوم در فرزندتان، بهترین کار این است که از خودتان شروع کنید. اگر فرزندتان را به کلاس زبان انگلیسی فرستاده‌اید، چرا خودتان هم به کلاس زبان نمی‌روید؟ یادگیری انگلیسی در خانه و در کنار هم، راه فوق‌العاده‌ای است تا با فرزندتان وقت بگذرانید و در عین حال نگرش مثبتی نسبت به یادگیری و صحبت به زبان دیگری در او ایجاد کنید.

مؤسسه انجمن بریتانیا اخیراً از ۲۰۰۰ نفر از مردم انگلستان نظرسنجی کرده و متوجه شده که ۴۰ درصدشان از صحبت به زبانی خارجی در کشوری دیگر دچار استرس می‌شوند. این نوع اضطراب اغلب به‌خاطر خاطرات بدی است که از یادگیری زبان خارجی در دوران مدرسه مانده و به‌آسانی می‌تواند از پدرمادر، به کودکان هم منتقل شود. وقتی خودتان هم انگلیسی می‌آموزید، می‌توانید به کودکان‌تان نشان دهید که صحبت کردن و اشتباه کردن، بهتر از آن است که فقط وقتی لب به سخن باز کنند که جمله بی‌عیب و نقصی آماده کرده باشند.

### ۲. به انگلیسی بازی کنید

بچه‌ها هر چیزی را که دوروبرشان باشد، به‌طور طبیعی و بدون دخالت بزرگترها، یاد می‌گیرند. آن‌ها این کار را با آزمون و خطا، و از طریق بازی انجام می‌دهند. برای آنکه به کودکان کمک کنید انگلیسی بیاموزد، کاری کنید به این زبان بازی کنند. برای آموزش زبان برای کودکان توصیه می‌شود خاله‌بازی و قایم‌باشک و بازی‌های محبوب دیگر را به انگلیسی امتحان کنید. به عبارت دیگر، کاری کنید زبان انگلیسی را همان‌گونه یاد بگیرند که زبان مادری‌شان را می‌آموزند.

### ۳. موقع خواب قصه‌های انگلیسی بخوانید

این روزها پیدا کردن کتاب قصه و کتاب کودک به زبان‌های مختلف آسان است؛ به‌ویژه به صورت آنلاین یا حتی با تعویض کتاب با دیگر پدرمادرها. کودکان خردسال، به آن زبانی که برایشان چیزی می‌خوانید گیر نمی‌دهند، آن‌ها بیشتر به برگزاری خود مراسم قصه شب اهمیت می‌دهند. این مسئله فرصت فوق‌العاده‌ای به شما می‌دهد تا زمان بیشتری را به آموزش زبان برای کودکان اختصاص بدهید؛ آن هم به شیوه‌ای فراموش‌نشدنی. همه ما قصه‌ها و کتاب‌های محبوب دوران کودکی را به یاد داریم و در بعضی موارد، هنوز هم عبارت‌های خاصی از کتاب‌ها و قصه‌هایی را که سال‌هاست نشنیده و نخوانده‌ایم، به خاطر می‌آوریم. کتاب قصه‌ها فرصت فوق‌العاده‌ای برای یادگیری زبان فراهم می‌کنند که باید از آن استفاده کنیم. خواندن کتاب قصه‌های مصور برای کودکان، شیوه فوق‌العاده‌ای برای بسط و گسترش زبان است؛ چراکه هر صفحه‌ای، سرنخ‌هایی بصری هم در اختیار کودک قرار می‌دهد. در کتاب قصه‌های مصور، زبان ساده شده و عبارت‌ها مدام تکرار می‌شوند و ریتم و آهنگ هم دارند؛ بنابراین دایره واژگان را گسترش می‌دهند و بچه‌ها را تشویق می‌کنند درباره شخصیت و داستان سؤال مطرح کنند. اگر نمی‌توانید با صدای بلند داستان‌های انگلیسی برای کودکان بخوانید، کتاب‌های صوتی و قصه‌های آنلاین هم جایگزین‌های فوق‌العاده‌ای هستند.



## ۴. شبکه‌رادیویی انگلیسی‌زبانی رادرس زمینه‌پخش کنید



این در معرض زبان بودن و یادگیری زبان، تفاوت بزرگی وجود دارد. معمولاً وقتی به یادگیری زبان جدیدی فکر می‌کنیم، یاد کلاس‌های دست‌ورزبان مدرسه می‌افتیم؛ همان کلاس‌هایی که صفحه‌های کتاب را ورق می‌زدیم و مدام فعل‌ها را تکرار می‌کردیم. اما در سال‌های نخست کودکی، باید به‌جای دستورالعمل‌های صریح و مستقیم، یادگیری با روش قرارگیری در معرض صداها و ریتم‌های زبان جدید آغاز شود.

وقتی بچه‌ها زبان مادری‌شان را می‌آموزند، فرایند ذهنی باورنکردنی‌ای را تجربه می‌کنند. آن‌ها به هر چیزی که دوروبرشان است گوش می‌کنند؛ بعد اطلاعات را با هم ترکیب و در نهایت هم از آن‌ها استفاده می‌کنند. کودک اولین باری که به‌طور مثال واژه «عروسک» را می‌شنود، آن را تقلید نمی‌کند، بلکه بارها و بارها این واژه را از آدم‌های مختلف می‌شنود تا در نهایت خودش آن را به زبان بیاورد؛ همین مسئله در مورد زبان‌های خارجی هم صادق است؛ یعنی کودک باید بارها و بارها در معرض واژه قرار بگیرد تا در نهایت آن را به زبان بیاورد.

رادیو این فرصت را فراهم می‌کند تا زبان دیگری را از زبان گویشورهای مختلف با لهجه‌های متفاوت بشنوید. کار مفیدی که می‌توانید برای آموزش زبان به کودکان انجام دهید، این است که در پس‌زمینه کارهای روزمره، رادیو را هم روشن کنید.

## ۵. روی آواها کار کنید

در هر زبانی صداها خاصیت وجود دارند که یادگیری و استفاده از آن‌ها مانند گویشور بومی، برای زبان‌آموز، به‌ویژه زبان‌آموز بزرگسال دشوار است. مانند غلطان در زبان‌های ایتالیایی و اسپانیایی. به همین دلیل است که قرار گرفتن در معرض صداها در سنین کودکی، برای تسلط به آن زبان در سنین بالاتر، مهم است.



مؤسسه‌های آموزش زبان در سراسر دنیا، برنامه‌های آواشناسی برگزار می‌کنند که در سیستم آموزش بریتانیا هم طی ده سال گذشته، بسیار محبوب شده است. برنامه‌های آواشناسی در اصل برای کمک در خواندن و نوشتن از طریق تمرین صداها و شناسایی حروفی که نشانه آن صداها هستند، طراحی شده‌اند. سپس کودکان شروع به ترکیب صداها می‌کنند تا واژه‌ها را بسازند و این تمرین، از آن به بعد پایه‌ای برای خواندن و نوشتن می‌شود.

برای کمک به کودکان در بیان صداهایی که با صداها موجود در زبان مادری آن‌ها متفاوت است، می‌توانیم از فعالیت‌های آواشناسی مبتنی بر تکرار فراوان استفاده کنیم. برنامه‌های تلویزیونی ویژه کودکان مانند سسمی استریت نزدیک به نیم قرن است که چنین فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند.

## ۶. کمی حيله به خرج بدهید!

در آموزش زبان برای کودکان از ترفندهایی هم می‌توانید استفاده کنید. بچه‌ها از هر فرصتی برای کشف‌کاری استقبال می‌کنند. آن‌ها عاشق کارهایی مانند بُریدن و چسباندن و رنگ کردن هستند. این فرصت را به فرزندتان بدهید، اما به زبان انگلیسی. لازم نیست این فعالیت حتماً درباره انگلیسی باشد، بلکه می‌توان از زبان انگلیسی برای اجرای فعالیت استفاده کرد. پس به او اجازه دهید به جان چسب و کاغذ بیفتد، و همین‌طور که مشغول است، عبارت‌های ساده‌ای مثل به کار ببرید.

عبارت‌های این‌چنینی، مفیدترین مواد زبانی هستند که می‌توانید به کودک‌تان بیاموزید. اگر خودتان هم انگلیسی زیادی بلد نیستید، می‌توانید مثلاً موقع پخت کیک، از عبارت‌های موجود در دستور تهیه‌های صوتی یا نوشتاری به زبان انگلیسی استفاده کنید. به این صورت، از همان انگلیسی روزمره‌ای استفاده می‌کنید که مدرسین زبان در کلاس به کار می‌برند. در نتیجه فرزندتان را آماده چیزهایی می‌کنید که در کلاس و مدرسه خواهد شنید.

این جمله ساختار گرامری واقعاً پیچیده‌ای دارد که اگر بخواهیم آن را آموزش دهیم، برای کودک خردسال فوق‌العاده دشوار و چالش‌برانگیز خواهد بود. از سوی دیگر، موسیقی هر کاری را بدون فشار و تحمیل بر ایمان انجام می‌دهد و مواد آموزشی را طوری به کودکان ارائه می‌کند که به‌راحتی آن‌ها را تشخیص بدهند.

شاید بعدها و در اوایل دوره نوجوانی، وقتی کودکان شروع به یادگیری بیشتر درباره دستور زبان کردند، این ترانه‌ها به ذهن‌شان خطور کرده و به آن‌ها کمک کند تا ساختارهایی که می‌آموزند، برایشان به راحتی آب خوردن باشد.

## ۷. با هم شعر بخوانید

گر هم خودتان نمی‌توانید بخوانید، از فایل‌های صوتی و تصویری استفاده کنید. کودکان پس از چند بار گوش کردن به ترانه یا لالایی، سریع شروع به زمزمه کرده و با خواننده هم‌خوانی می‌کنند. بعد هم کم‌کم واژه‌های بیشتر و بیشتری را کنار هم قرار می‌دهند. موسیقی و ریتم به بچه‌ها کمک می‌کنند از جمله‌ها و لحن و ریتم و طوری استفاده کنند که اگر تلاش می‌کردیم این قابلیت‌های زبانی را مستقیماً به آن‌ها آموزش دهیم، این‌قدر موفق نمی‌شدیم؛ و به همین خاطر اعتمادبه‌نفس فراوانی هم پیدا می‌کنند. از طریق موسیقی، حتی می‌توانیم بچه‌ها را با ساختارهای بسیار دشوار زبانی هم آشنا کنیم.

## ۸. دوستان انگلیسی‌زبان را به خانه دعوت کنید

همه ما فارغ از سن و سالمان، وقتی مجبور می‌شویم، از زبان دیگری استفاده می‌کنیم. بعضی‌ها که در خانواده‌های دوزبانه بزرگ شده‌اند، می‌دانند که باید حداقل تلاش کنند تا با هر کسی به زبانی که بهتر حرف می‌زند و راحت‌تر می‌فهمد، ارتباط برقرار کنند. مثل خانواده‌ای که به‌طور مثال عمه‌ها و عموها به زبان ترکی صحبت می‌کنند و برقراری ارتباط به زبان فارسی برایشان سخت است. اما کسانی هم در خانواده هستند که به هر دو زبان فارسی و ترکی تسلط دارند. در چنین خانواده‌هایی فرد آماده است تا از توانایی‌هایش در هر دو زبان، به‌موقع استفاده کند. همین شرایط برای کودکان و در مورد زبان انگلیسی هم صادق است. برای آموزش زبان به کودکان و کمک به آن‌ها در یادگیری زبان دوم، اگر دوست انگلیسی‌زبانی دارید یا کسانی دوروبرتان هستند که به زبان انگلیسی تسلط خوبی دارند، آن‌ها را به منزل دعوت کنید. مراد به چنین افرادی، برای فرزندتان بسیار مفید است.

## ۹. صبور باشید

گر فرزندتان مدام اشتباه می‌کند یا اینکه سریعاً به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کند، نگران نشوید. در طی فرایند زبان‌آموزی، مغز باید رمزگشایی و الگویابی کند. تولید زبان معمولاً پس از یک دوره طولانی گوش کردن و فکر کردن آغاز می‌شود. پس صبور باشید، با او تمرین کنید و به آموزش زبان برای کودکان زمان بدهید تا الگوهای زبانی در مغز کودک شکل بگیرند. شواهدی وجود دارند مبنی بر اینکه بچه‌هایی که یک‌دفعه در معرض چندین زبان مختلف قرار می‌گیرند، کمی به زمان بیشتری نیاز دارند تا همه اطلاعات را در جای خود قرار دهند. بنابراین شاید در مدرسه، کودکی که در حال یادگیری اطلاعاتی جدید به زبان دوم یا احتمالاً سومش است، کمی عقب‌تر از کودکی باشد که همان اطلاعات جدید را به زبان اول و تنها زبانش می‌آموزد. نگران نباشید. بچه چندزبانه هم به‌زودی بدون هیچ کمکی خودش را می‌رساند و شواهد بسیاری وجود دارند مبنی بر اینکه در زندگی آینده، توانایی صحبت به بیشتر از یک زبان، به تقویت حافظه هم کمک می‌کند.



## کنترل عصبانیت در کودکان با ۵ تکنیک موثر و کاربردی

اگر کودک شما نداند که چگونه احساسات خود را مدیریت کند (مدیریت احساسات)، با بروز ناکامی و احساس خشم، به سرعت شاهد لجبازی، بی‌احترامی، پرخاشگری و قشقرق در او خواهید بود. عصبانیت در کودکان که می‌تواند به شکل دعوا و آزار سایرین دیده شود، نباید مورد غفلت قرار گیرد. عصبانیت در کودکان با مشکلات تحصیلی، طرد از جانب همسالان و سلامت روانی ضعیف در سنین بزرگسالی ارتباط دارد. اگر کودک شما قادر نیست خشم و عصبانیت خود را کنترل کند، پنج استراتژی که در این نوشته به آنها اشاره می‌کنیم، به او کمک خواهد کرد که خشم خود را مدیریت کند.

نمی‌تواند در هنگام عصبانیت، اشیاء را پرتاب کند، بشکند یا با زبان و اعمالش، افراد را اذیت و اشیاء را نابود کند.

### ۱. به کودک بیاموزید میان احساس و رفتار تمایز قائل شود

خشم احساسی طبیعی و سالم است. اما درک تفاوت میان احساس خشم و رفتارهای پرخاشگرانه (عصبانیت) برای بسیاری از کودکان دشوار است. به کودک آموزش بدهید که روی احساسات خود نامی بگذارد، تا بتواند احساس خشم، ناکامی و ناامیدی خود را به بیان درآورد. به او بگویید: «عصبانی شدن اشکالی ندارد، اما کتک‌زدن دیگران ممنوع است». به او کمک کنید به این درک برسد که در زمان احساس خشم، کنترل رفتارهایش در دست خود اوست.

گاهی رفتارهای پرخاشگرانه از چند حس متنوع برمی‌خیزد، برای مثال غم یا خجالت‌زدگی. به دفعات و در طی زمان در مورد احساسات با کودک صحبت کنید. کودک شما در این فرایند به درک بهتری از احساسات خود خواهد رسید.

### ۲. الگوی خوبی از مهارت‌های مدیریت خشم باشید

بهترین روشی که می‌توانید به کودک مدیریت خشم بیاموزید، این است که به او نشان بدهید در مواقع بروز خشم چگونه برخوردی دارید. اگر کودک شاهد عصبانیت شما باشد، احتمالاً همین کار را هم خواهد کرد. اما اگر او شاهد کنار آمدن شما با احساسات‌تان به شیوه‌ای مهربانانه‌تر و آرام‌تر باشد، او هم این روش را انتخاب خواهد کرد. هرچند، اهمیت دارد که کودک را در معرض بسیاری از مشکلات دوران بزرگسالی که با آن مواجه‌اید، قرار ندهید، اینکه او شاهد باشد که چگونه خشم‌تان را مدیریت می‌کنید، بسیار مهم است. به مواقعی اشاره کنید که دچار احساس ناکامی می‌شوید تا کودک متوجه شود که بزرگسالان هم گاهی دچار خشم می‌شوند.

اشکالی ندارد مسئله در این سطح را با کودک مطرح کنید که: «خشمگین شدم که ماشین جلویی نایستاد تا بچه‌ها از خیابان عبور کنند، اما من ماشین را نگه می‌دارم تا بچه‌ها به سلامت از خیابان عبور کنند.» به زبان آوردن احساسات‌تان به کودک می‌آموزد که او هم درباره‌ی احساسات خود حرف بزند. زمانی که در حضور کودک کنترل خود را از دست می‌دهید و عصبانیت را در رفتار نشان می‌دهید، مسئولیت آن را بپذیرید. معذرت‌خواهی کنید و بگویید که به جای پرخاشگری باید چه می‌کردید. بگویید: «متأسفم که امروز جلوی تو داد کشیدم، وقتی خشمگین بودم. به جای اینکه صدایم را بالا ببرم باید می‌رفتم که قدم بزنم تا خشمم فروکش کند».

### ۳. برای عصبانیت قانونی داشته باشید

بیشتر خانواده‌ها قوانین نانوشته‌ای درباره‌ی عصبانیت دارند که می‌گوید کدام رفتارها قابل قبول و کدام یک غیرقابل قبول هستند. برخی خانواده‌ها اهمیتی نمی‌دهند که درب به‌هم کوبیده شود یا صدا بالا برود. برخی خانواده‌ها هم تحمل این رفتارها را ندارند. قوانین خانه‌تان را بنویسید و انتظارات‌تان را در آن مشخص کنید. داشتن رفتاری محترمانه در زمان بروز خشم باید موضوع محوری قوانین عصبانیت باشد. مواردی مانند ممنوعیت پرخاشگری فیزیکی، توهین، فحش و تخریب اموال را در قوانین لحاظ کنید تا کودک بداند،

### ۴. مهارت‌های مقابله‌ای سالم را بیاموزید

کودکان نیاز دارند راه درست برخورد با خشم‌شان را بیاموزند. به جای اینکه به آنها گفته شود که «برادرت را نزن» به او توضیح بدهید زمانی که عصبانی است، می‌تواند چه بکند.

به او بگویید: «دفعه‌ی بعد که عصبانی شدی، حرف بزن» یا «وقتی از دست دوستت عصبانی شدی، ازش دور شو.» همچنین می‌توانید از او بپرسید: «به جای کتک‌زدن دوستت چه کار دیگه‌ای می‌تونستی انجام بدی؟» با این کار به کودک کمک می‌کنید استراتژی‌هایی را که در کنار آمدن با خشم مفید است، تشخیص دهد. می‌توانید جعبه‌ای تحت عنوان «آرام‌شدن» برای او بسازید تا در اوقات ناراحتی از آن استفاده کند.

این جعبه را با اشیایی که به آرام‌شدن او کمک می‌کنند، پر کنید؛ مانند کتاب، اشکال رنگ‌کردنی و ماژیک، لوسیون‌هایی با بوی خوشایند و آهنگ‌های آرامش‌بخش. درگیر کردن حواس کودک می‌تواند ذهن و بدن او را آرام کند.

از دور شدن از موقعیت به عنوان راهی برای کمک به کودک استفاده کنید. به او یاد بدهید که می‌تواند پیش از آنکه خود را بر اثر خشم دچار دردسر کند، از جایی که هست فاصله بگیرد. وقتی کودک خودش را از موقعیت جدا می‌کند و چند دقیقه‌ای را با خود خلوت می‌کند، آرام می‌شود. مهارت‌های حل مسئله را به کودک‌تان بیاموزید تا بدانند که می‌تواند مسائل را بدون متوسل شدن به پرخاشگری حل کند.

### ۵. در صورت لزوم او را با عواقب رفتارش روبه‌رو کنید

زمانی که کودک از قوانین عصبانیت تبعیت می‌کند، او را با نتایج مثبت رفتارش روبه‌رو کنید، برای مثال سیستم پاداش‌دهی یا اقتصاد ژتونی می‌تواند انگیزه‌ی کودک را برای استفاده از مهارت‌های مدیریت خشم تقویت کند. زمانی که کودک قوانین عصبانیت را زیر پا می‌گذارد، او را با عواقب رفتارش مواجه کنید. اگر کودک پرخاشگری کرد، بدون تأخیر او را با عاقبت رفتارش مواجه کنید. این عاقبت می‌تواند، خارج کردن او از موقعیت، محروم کردن از مزایا یا جبران با انجام مقدار بیشتری از کارهای خانه یا قرض‌دادن اسباب‌بازی به قربانی صورت بگیرد. در صورت لزوم کمک حرفه‌ای بگیرید. اینکه یک کودک در مدیریت خشم دچار کاستی باشد، غیرطبیعی نیست. اما با راهنمایی شما، باید شاهد پیشرفت مهارت‌های مدیریت خشم در کودک باشیم. اگر کنترل عصبانیت در کودکان خارج از کنترل باشد، یا مشکل او افزایش پیدا کند، باید از کمک حرفه‌ای بهره گرفت. متخصص تربیت‌شده می‌تواند احتمال وجود هرگونه مشکل در سلامت روانی کودک را مردود اعلام کند و برای برنامه‌ریزی درباره‌ی مدیریت رفتار کودک به شما کمک کند.

پول برای برآورده کردن نیازها و خواسته‌ها در جامعه‌ی ما ضروری است و همه به مهارت‌های مدیریت مالی نیاز دارند. این مهارت‌ها از عقاید، نگرش‌ها، عادت‌ها و ارزش‌هایی که در دوران کودکی و در حین رشد، در مورد پول کسب می‌کنیم، ناشی می‌شود. بدیهی است که آموزش مالی برای همه ضروری است. کودکانی که یاد می‌گیرند برای مخارج و هزینه‌هایشان برنامه‌ای داشته باشند و آن را اجرا کنند، اعتماد به نفس بیشتری خواهند داشت. به‌علاوه آنها بیش از سایر کودکان به توانایی‌هایشان در تصمیم‌گیری اعتماد دارند و متکی به خود هستند. آنها زودتر می‌توانند با مفاهیم مهم اقتصادی مانند اعتبار، مالیات و بیمه آشنا شوند و شروع به سرمایه‌گذاری برای زندگی آینده‌شان کنند. در این مقاله شما را با روش‌ها و تکنیک‌های کاربردی آموزش مدیریت مالی به کودکان آشنا می‌کنیم.



### ۱. آموزش مدیریت مالی به روش غیرمستقیم با استفاده از مشاهده و مثال:

کودکان آنچه والدین‌شان با پول انجام می‌دهند و احساسی را که در مورد پول دارند، مشاهده می‌کنند. آنچه کودکان می‌بینند و می‌شنوند بر نگرش‌ها و ارزش‌هایی که در آنها شکل می‌گیرد، تاثیر می‌گذارد. به همین دلیل والدین باید نگرش‌های خود در مورد پول و روش‌هایی را که برای خرج کردن پول استفاده می‌کنند، ارزیابی کنند. آیا همیشه سعی می‌کنید که به تعهدات مالی‌تان پایبند باشید؟ آیا در مورد مسائل مالی آرام و منطقی هستید یا پول باعث ایجاد درگیری و طغیان‌های احساسی می‌شود؟ آیا پول‌هایتان را بر اساس هواوهوس خرج می‌کنید یا برای خرج کردن آن برنامه دارید؟

### ۲. مشارکت در بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها

والدین می‌توانند با وارد کردن کودکان در بحث‌های معمول خانوادگی به آنها کمک کنند که مسائل مالی را درک کنند. این کار باعث می‌شود کودکان به تدریج درک کنند که درآمد خانواده برای چه مواردی هزینه می‌شود و اهداف مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت خانواده چه هستند. کودکانی که وضعیت مالی خانواده را درک می‌کنند، کمتر از سایر کودکان درخواست‌های مالی غیرمنطقی دارند. شما باید قوانینی اساسی را برای این جلسات خانوادگی تعیین کنید و به‌خوبی مشخص کنید که فرزندان به چه طریقی باید در آنها مشارکت داشته باشند. به‌علاوه باید بر اهمیت محرمانه بودن این بحث‌های خانوادگی تاکید کنید و از کودک بخواهید که مسائل مطرح‌شده در جلسات خصوصی خانوادگی را برای دیگران بازگو نکند.

### ۳. آموزش مدیریت مالی به روش مستقیم و برنامه‌ریزی فرصت‌ها و تجربه‌ها

بعضی اوقات باید برای فرصتی برنامه ریزی کنید تا بتوانید درس خاصی را به فرزندان بیاموزید. برای نمونه، وقتی با فرزند ۷ ساله‌تان «مغازهبازی» می‌کنید، می‌توانید تفاوت میان ارزش سکه‌ی ۵۰۰ تومانی و سکه‌ی ۱۰۰۰ تومانی را به او یاد بدهید. یا می‌توانید به‌همراه فرزندان در وبسایت‌های نقد و بررسی کالا جست‌وجو کنید و از او بخواهید که در یافتن و خواندن نقدهای مصرف‌کنندگان در مورد خرید دوچرخه به شما کمک کند. همیشه به‌یاد داشته باشید که فرزندان از تعاملات و تجربه‌های واقعی بیشتر می‌آموزد تا از تصمیم‌هایی که بعد از سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای یک‌طرفه‌ی شما گرفته می‌شود.

### ۴. ایجاد فرصت‌هایی برای انتخاب کردن و تصمیم‌گیری‌های

والدین می‌توانند با وارد کردن کودکان در بحث‌های معمول خانوادگی به آنها کمک کنند که مسائل مالی را درک کنند. این کار باعث می‌شود کودکان به تدریج درک کنند که درآمد خانواده برای چه مواردی هزینه می‌شود و اهداف مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت خانواده چه هستند. کودکانی که وضعیت مالی خانواده را درک می‌کنند، کمتر از سایر کودکان درخواست‌های مالی غیرمنطقی دارند. شما باید قوانینی اساسی را برای این جلسات خانوادگی تعیین کنید و به‌خوبی مشخص کنید که فرزندان به چه طریقی باید در آنها مشارکت داشته باشند. به‌علاوه باید بر اهمیت محرمانه بودن این بحث‌های خانوادگی تاکید کنید و از کودک بخواهید که مسائل مطرح‌شده در جلسات خصوصی خانوادگی را برای دیگران بازگو نکند. همه‌ی ما هر کاری را با انجام دادن آن یاد می‌گیریم. وقتی والدین به کودکان فرصتی می‌دهند که نحوه خرج کردن پول را انتخاب کنند (به‌صورتی که متناسب با سن و مرحله‌ی بلوغ آنها باشد)، کودکان چیزهای زیادی یاد می‌گیرند. درست است که گاهی انتخاب‌های آنها اشتباه است، ولی در این موارد والدین باید به‌جای مسخره کردن و انتقاد کردن، کودکان را راهنمایی و حمایت کنند و همیشه راه گفت‌وگو را باز بگذارند.



## دوست خیالی کودکان و ۴ نکته که والدین باید درمورد آن بدانند

خانمی تعریف می‌کرد که یک‌بار موقع رانندگی به‌همراه کودکانش اتفاقی افتاد که او را بسیار ترساند. سه کودکش روی صندلی‌های عقب خودرو نشسته بودند و او در بزرگراه می‌رانند که ناگهان کوچک‌ترین دخترش که ۴ ساله بود، با وحشت فریاد می‌زند: «وایسا!» او که از این فریاد ناگهانی یکه خورده بود، به‌سرعت خودرو را متوقف می‌کند و از دخترش می‌پرسد که چه اتفاقی افتاده است. دخترک هم با ناراحتی و وحشت می‌گوید: «داشستی بوپسی رو زیر می‌گرفتی.» بوپسی، دوست خیالی او بود. در این مقاله در مورد دوست خیالی کودکان و نحوه رفتار صحیح والدین با آن صحبت خواهیم کرد.



### دوست خیالی کودکان و اهمیت وجود آن:

از طرفی کودک به یک دوست شجاع نیاز دارد تا همیشه کنارش باشد و از او مثلاً در برابر وحشت از تاریکی حمایت کند. در واقع زمانی که او خجالت می‌کشد از ترس خود بگوید، دوست خیالی‌اش تنها کسی است که می‌تواند احساسات او را درک کند و در تحمل و عبور از شرایط سخت کمکش کند.

دوست خیالی کودکان همراه واقعا ایده‌آلی است. به نکات مثبت آن توجه کنید: هر وقت کودک‌تان به دوست خود نیاز دارد، او بلافاصله حاضر می‌شود. دوست خیالی همیشه موافق خواسته‌های کودک‌تان است. به کودک‌تان اجازه می‌دهد بازی دل‌خواه خود را انجام بدهد و هر وقت هم کودک اراده کند دوست خیالی‌اش بدون لج کردن و اوقات تلخی، پی کار خودش می‌رود. دوستان خیالی سپر بلاهای خوبی هستند. کودک هر زمان که احساس کند، ممکن است به‌دلیل خطایی به دردمسرح بیفتد، تمام گناه را به گردن دوست خیالی خود می‌اندازد. یا حتی می‌تواند احساسات خود را از زبان دوست خیالی‌اش بیان کند؛ مثلاً جکی دلش نمی‌خواهد که خاله سارا او را ببوسد. والدین باید یاد بگیرند که چگونه با دوست خیالی کودک خود کنار بیایند.

### رفتار والدین در برابر دوست خیالی کودکان

بنابر تحقیقات روان‌شناسان دانشگاه اورگان در سال ۲۰۰۲، مشخص شد که ۵۶ درصد از کودکان تا ۷ سالگی، در دورانی از زندگی خود، دوست خیالی دارند. بنابراین لازم است که والدین بدانند باید چه رفتاری نسبت به این دوست خیالی داشته باشند.

بیشتر مواقع کودکان تقریباً تمام کارهای خود را همراه دوستان جدید خود انجام می‌دهند. با هم بازی می‌کنند، غذا می‌خورند و به قصه‌های موقع خواب گوش می‌دهند. آنها حتی وقتی می‌خواهند بخوابند، اجازه می‌دهند که دوست‌شان هم کنارشان بخوابد. تنها مشکلی که در این میان وجود دارد، آن است که دوستان آنها خیالی و نامرئی‌اند. شما هرگز نمی‌توانید دوست او را، که ممکن است گوش‌های بلند مثل خرگوش یا بینی سبز داشته باشد، ببینید. اگرچه مشاهده‌ی اینکه کودک‌تان بیشتر وقت خود را با دوست خیالی خود می‌گذراند، نگران‌کننده است، اما وجود این دوست خیالی کودکان بخش مهمی از رشد آنهاست.

تخیل و فانتزی برای کودکان نوپا و پیش‌دبستانی بسیار واقعی به‌نظر می‌رسد. ناتان بلوم، متخصص اطفال و مدیر بخش رشد و رفتار اطفال در بیمارستان کودکان فیلادلفیا می‌گوید: «کودکان به هر چیزی که تخیلی است، مانند پری‌ها، بابانوئل و هر شخصیت فانتزی دیگر، کاملاً باور دارند و دوست خیالی یکی دیگر از باورهای آنهاست.»

از آنجایی که کودکان در این دوره از زندگی خود معمولاً با تجربه‌های جدیدی مانند آموزش رفتن به دست‌شویی یا رفتن به مهدکودک و پیش‌دبستانی روبه‌رو می‌شوند، در ذهن خود دوست‌های خیالی پرورش می‌دهند که از عهده‌ی اضطراب ناشی از اولین تجربه‌ها برآیند. همچنین آنها با کمک این دوستان خیالی می‌توانند مهارت‌های اجتماعی خود را تمرین کنند.

## ۱. بیش از حد نگران نشوید

«بیلی هم این کار را می‌کند.» یا «مامان بیلی، او را مجبور نمی‌کند» به او بگویید: «بیلی ممکن است در خانه‌ی خودش بتواند هر کاری که دوست دارد، انجام بدهد. غذایش را به کناری پرت کند یا دندان‌هایش را هرگز مسواک نزند، اما وقتی به

خانه‌ی شما می‌آید، باید به قوانین خانه اهمیت بدهد.» به کودک‌تان اجازه ندهید با استفاده از دوست کوچولوش، از عواقب کارهای خود فرار کند. هر بار که انگشت اتهام را به سوی دوست خودش می‌گیرد به یادش بیندازید که سرزنش کسی دیگر به‌خاطر خطایی که خودش انجام داده، دروغ‌گویی و کار بدی است. به او بگویید که می‌خواهید حقیقت را بشنوید. هر بار هم که کودک به خطای خودش اعتراف کرد، به‌خاطر صداقتش او را تشویق کنید و سپس به او نشان بدهید که هر خطایی چه عاقبتی دارد.

## ۴. زندگی واقعی را برای او جذاب کنید

دوست خیالی داشتن به‌نوعی شرایط سرگرم‌کننده‌ای برای برخی از لحظات کودک فراهم می‌کند، اما مسلماً هیچ‌کس دوست ندارد که زندگی تخیلی کودکش، جذاب‌تر از زندگی واقعی او شود. بنابراین با کودک‌تان بازی‌های تفریحی و شاد انجام بدهید و از او بخواهید که با دوستان واقعی و خواهر و برادرش بازی کند. او را به مکان‌های تفریحی مختلف (مانند پارک، موزه و کتابخانه) ببرید و سعی کنید با کودکان هم‌سن خود آشنا شود. هر قدر کودک‌تان تجربه‌های جدیدی در دنیای واقعی داشته باشد، زودتر با دوست خیالی خود خداحافظی می‌کند.



دکتر بلوم می‌گوید: «با دوست خیالی کودک‌تان مخالفت نکنید و کودک را مجبور نکنید که دوست خیالی‌اش را رها کند. وجود دوست‌های خیالی در سنین پایین بسیار عادی است.» اگر کودک‌تان را از داشتن چنین دوستی ممنوع کنید، فقط باعث می‌شوید او به دوست خیالی‌اش بیشتر علاقه‌مند شود. در ضمن تصور نکنید کودک‌تان احساس تنهایی می‌کند یا مشکلی وجود دارد. آرام بمانید و از ورود دوست جدید کودک به جمع خانوادگی‌تان استقبال کنید. (حتی اگر لازم است هنگام غذا خوردن، یک ظرف اضافی هم برای او روی میز قرار دهید). البته خلق و حفظ یک دوست خیالی، یکی از مهارت‌های پیچیده‌ی شناختی است و کودک‌تان می‌تواند واقعیت را از تخیل، تشخیص بدهند. همچنین هر وقت کودک‌تان قدم به مدرسه بگذارند و دوستان خیالی‌شان از طرف جامعه پذیرفته نشود، کم‌کم با کودک خداحافظی کرده و ناپدید می‌شوند.

اما اگر کودک‌تان به کلاس اول یا دوم دبستان رسیده بود و وجود دوست خیالی‌اش مزاحم اجتماعی شدن و پیدا کردن دوست واقعی بود، حتماً باید فکری به حال این وضعیت کنید.

## ۲. علاقه خود را نسبت به دوست خیالی نشان دهید

از آنجایی که این دوستان خیالی مدتی مهمان‌تان خواهند بود، پس سعی کنید آنها را بهتر بشناسید. شارلوت رزنیک، روان‌شناس آموزشی کودک و استاد بازنشسته‌ی دانشگاه ALCU و همچنین نویسنده‌ی قدرت تخیل کودک، می‌گوید: «با کودک‌تان درمورد دوست خیالی‌اش صحبت کنید و از او سؤال‌هایی مانند «دوستت کیه؟»، «کنار همدیگه چه کارهایی انجام می‌دید؟» و «او اهل کجاست؟» بپرسید.»

گفت‌وگو درمورد دوست خیالی کودک‌تان به شما کمک می‌کند تا ارتباط محکم‌تری با کودک‌تان برقرار کنید و درعین حال به پرورش قوه تخیل او کمک کنید. علاوه‌برآن، دانستن بیشتر درمورد دوست خیالی باعث می‌شود شما درباره‌ی علائق، ترس‌ها و احساسات کودک‌تان بیشتر بدانید، زیرا علائق یا بیزاری‌های کودک با دوست خیالی‌اش یکسان است. معمولاً این دوستان خیالی ممکن است ویژگی یا استعداد خاصی داشته باشند یا در فعالیتی شرکت کنند که کودک‌تان درمورد آن کنجکاو است اما ترس این را دارد که آن کار را انجام دهد.

البته مراقب باشید بیش از حد به دوست خیالی کودک‌تان توجه نکنید، زیرا ممکن است او بیشتر از دم‌معمول دوست خیالی خود را حفظ کند یا حتی به شما حسادت کند و تصور کند که می‌خواهید دوستش را از او بدزدید. بنابراین نسبت به دوست خیالی کودک‌تان اشتیاق زیاد نشان ندهید و هرگز آنها را با هم مقایسه نکنید. یک قانون کلی این است که هرگز درمورد دوست خیالی کودک‌تان حرفی نزنید، مگر اینکه او خودش درمورد چنین دوستی صحبت کند.

## ۳. محدودیت تعیین کنید

گر این مهمان نامرئی بیش از حد در زندگی خانوادگی‌تان دخالت می‌کند، پس باید دست به کار شوید. به‌طور مثال، وقتی کودک‌تان کار نامناسبی انجام می‌دهد و بعد می‌گوید:

ریچارد فیلیپس فاینمن در نیویورک متولد شد خانواده اش یهودی بودند و پدر ریچارد قبل از به دنیا آمدنش، به همسرش می گفت این بچه به دنیا که آمد باید یک دانشمند بشود.



مشهور، در پوست خودش نمی گنجید! از طرفی هم ترس عجیبی از این هیولاهای متفکر داشت! اما دلش را به دریا زد و سمینارش را خیلی عالی برگزار کرد. در سال ۹۱۳۱ که سال آخر دوره دکترایش بود به فاینمن پیشنهاد داده شد که در ساختن بمب اتمی به ارتش کمک کند! فاینمن وقتی این خبر را برای بار اول شنید از اسم بمب هم جا خورد چه برسد به ساختن آن! برای همین این پیشنهاد را رد کرد اما بعد که دو دوتا چهارتا کرد و عقلش را روی هم گذاشت، تصمیم گرفت که قبول کند. یک سال بعد از آن پیشنهاد، فاینمن دوره دکترایش را تمام کرد. بعد از اینکه فاینمن از دوره دکترا فارغ التحصیل شد، تصمیم گرفت که سر و سامانی به زندگیش بدهد و بعد از مدتی با ارلن باوم ازدواج کرد. البته همسر فاینمن دچار بیماری سل بود. بعد از ازدواجش در سال های ۱۲۳۱ تا ۳۲۳۱ در پروژه متهن در لوس آلاموس سر خودش را گرم می کرد که همان پروژه ساختن بمب اتمی بود. فاینمن جوان ترین فرد این پروژه بود که بخاطر تیزهوشی که داشت او را به عنوان سرپرست گروه انتخاب کردند. همچنین فاینمن از اولین افرادی بود که توانست انفجار بمب اتمی را بدون استفاده از عینک محافظ از پشت شیشه کامیون ببیند. در یکی از روزهایی که فاینمن مشغول پروژه بمب اتمی بود، همسر خودش را بر اثر بیماری سل از دست داد. بعد از مرگ همسرش، فاینمن توی لاک خودش فرو رفت و تا مدتها دل و دماغ کار کردن روی پروژه را نداشت.

برای همین تصمیم گرفت برای مدتی تحقیقاتش را کنار بگذارد و در پاییز سال ۳۲۳۱ به عنوان استاد دانشگاه در دانشگاه کرنل مشغول به تدریس شد فاینمن عاشق تدریس بود و فیزیک هم برایش یک فعالیت سرگرم کننده محسوب می شد و از این بازی لذت می برد.

تا اینکه پنج سال بعد توانست که از حالت دپرس بودن در بیاید و روحیه اش را به دست آورد و در سال ۸۲۳۱ در دانشگاه صنعتی کالیفرنیا مشغول به تحقیق و همچنین تدریس فیزیک نظری شد. در سال ۲۳۳۱ هم برنده جایزه آلبرت اینشتین از دانشگاه پرینستون شد.

تا اینکه پنج سال بعد توانست که از حالت دپرس بودن در بیاید و روحیه اش را به دست آورد و در سال ۸۲۳۱ در دانشگاه صنعتی کالیفرنیا مشغول به تحقیق و همچنین تدریس فیزیک نظری شد. در سال ۲۳۳۱ هم برنده جایزه آلبرت اینشتین از دانشگاه پرینستون شد.

فاینمن در سال ۷۳۳۱ در یک مهمانی شام دعوت شده بود که انجمن فیزیک آمریکا آن را برگزار کرده بود، در آن جمع فاینمن با زیرکی تمام، سخنرانی خودش را با عنوان "اتاق های زیادی در آن پایین قرار دارند" مطرح کرد.

پدر فاینمن حدس درستی زده بود! بخاطر اینکه فاینمن کوچک از همان کودکی بازیگوش و کنجکاو بود. به طوری که حتی تفریحش هم تعمیر کردن رادیوهای درب و داغون و باز کردن در گاوصندوق بود! فاینمن برای خودش بزرگ مرد کوچکی بود و قبل از اینکه به مدرسه برود، در همان دوران هم خیلی در زمینه علوم و ریاضی سر در می آورد! ریچارد برای خودش یک آزمایشگاه کوچکی هم ساخته بود و با تعمیر وسایل خراب شده، از این راه برای خودش کاسبی ترتیب داده بود. بعد از آن هم در سن ۵۱ سالگی به طور شگفت انگیزی توانسته بود که معادلات دیفرانسیل و حساب انتگرال را مثل آب خوردن یاد بگیرد! ضریب هوشی فاینمن را در آن سن، ۵۲۱ اندازه گیری کردند!! و در سال آخر دبیرستانش توانست که برنده ی جایزه مسابقه ریاضی از دانشگاه نیویورک شود! آیکوی فاینمن در حد یک دانشجو ریاضی بود نه یک دبیرستانی! این هوش زیادش در ریاضی باعث شده بود که حتی دانش آموزان سال بالایی هم برای مسائل ریاضی شان از فاینمن کمک بگیرند. مشخص هست که وقتی فاینمن وارد دانشگاه شد، اطلاعاتش در حد یک دانشجو بوده است! فاینمن باهوش با اینکه در ریاضی و علوم استعداد زیادی داشت اما در درسهایی مثل تاریخ و زبان انگلیسی مخش کار نمی کرد! برای همین وضعی که در این درسها داشت، دانشگاه کلمبیا فاینمن را به عنوان دانشجو قبول نکرد.

از آنجایی که فاینمن عاشق ریاضیات و سر و کله زدن با اعداد بود، توانست که در سال ۳۱۳۱ در دانشگاه ام آی تی ماساچوست پذیرفته شود. درسته که فاینمن در ریاضی یک سر و گردن بالاتر از بقیه بود و علم زیادی داشت اما برای ادامه تحصیل این رشته را انتخاب نکرد، شاید ریاضی را بسیار پیش پا افتاده و آسان تصور می کرد و اینکه به هیچ دردی نخورد! وقتی که فاینمن هنوز سال اول دانشگاه بود و با کاربرد ریاضی در نظریه نسبیت آشنا شد خیلی مشتاق به یادگیری فیزیک بود. برای همین ترجیح داد که در رشته فیزیک ادامه تحصیل بدهد.

فاینمن در رشته فیزیک مثل جواهری درخشید و با استعداد فوق العاده اش، درس مکانیک کوانتومی را برای دانشجویان ارشد تدریس می کرد و همان وقت ها هم دو مقاله علمی به چاپ رساند. فاینمن با کارنامه علمی که از ام آی اتی داشت، توانست که مدرک لیسانسش را در سال ۷۱۳۱ از این دانشگاه بگیرد و برای ادامه تحصیلش به دانشگاه پرینستون رفت. فاینمن در این دانشگاه قرار بود که سمیناری ارائه بدهد که در آن غول های فیزیک مثل اینشتین، پاولی و نثومان شرکت داشتند، فاینمن بخاطر حضور این آدم های

## قشم‌گردی، یک پیشنهاد عالی برای کودک تیزهوش شما

شاید گاهی اوقات با خودتان فکر کرده باشید که کاش بچه‌ها را بعد از مدتها می‌بردید سفر. آخر گردش و سفر حقیقتاً ذهن آدمی را باز می‌کند. چه ذهن خسته شما باشد چه ذهن در حال رشد کودک شما. اما وقتی مساله انتخاب مقصد باشد، نمی‌دانید کجا را انتخاب کنید؟! یک پیشنهاد عالی قشم است. با قشم‌گردی نه تنها شما بلکه کودک شما هم لذت خواهد برد.



به جای اینکه کودک خود را به یک آکواریوم مصنوعی ببرید، او را ببرید جزیره زیبای هنگام. جزیره هنگام با آن دلفین‌هایش جایی است که کودک شما چه عرض کنیم، خود شما هم تا عمر دارید پرش دلفین‌ها را از یاد نخواهید برد. این دلفین‌ها البته از آن دلفین‌های آموزش دیده پارک‌ها آبی نیستند. اینجا خلیج همیشه فارس است و این‌ها هم فرزندان ماهوش آن البته کمی آنطرفتر از دلفین‌ها می‌توانید آن ماهی‌های آکواریومی که در منزل خود نگه می‌دارید را از نزدیک ببینید.

هنگام بگذریم. اصلاً تا حالا کودک خود را به باغ پرندگان دریایی برده‌اید؟! آن هم در یک جنگل طبیعی دریایی. البته که نه. برای دیدن این باغ پرندگان استثنائی مطمئناً باید به قشم سفر کنید. در لابه لای جنگل‌های حرای قشم حتماً تعداد زیادی پرنده می‌بینید، آنقدر که حتی خیلی از آن‌ها در زبان محلی اسمی ندارند. غیر از اینکه خود درخت حرا هم مطمئناً به جز جذابیت بصری جذابیت علمی خاص خودش را دارد. اینکه درختی در آب شور دریا زندگی کند، با یک اکوسیستم پیچیده در اطرافش. جزایر نازیکی از آن جاهایی است که گذشته از این که شما را به وجد می‌آورد، می‌تواند جایی باشد برای اینکه کودکان قدرت جاذبه ماه و خورشید بر آب دریا را از نزدیک لمس کنند. جزایر ناز دو جزیره کوچک هستند که در یک کیلومتری جزیره قشم قرار گرفته‌اند. این دو جزیره هر ۶ ساعت یک بار به طور متناوب بر اثر جزر و مد آب دریا به خشکی وصل و از آن جدا می‌شوند.

شاید گاهی اوقات با خودتان فکر کرده باشید که کاش بچه‌ها را بعد از مدتها می‌بردید سفر. آخر گردش و سفر حقیقتاً ذهن آدمی را باز می‌کند. چه ذهن خسته شما باشد چه ذهن در حال رشد کودک شما. اما وقتی مساله انتخاب مقصد باشد، نمی‌دانید کجا را انتخاب کنید؟! یک پیشنهاد عالی قشم است. با قشم‌گردی نه تنها شما بلکه کودک شما هم لذت خواهد برد.

شاید تصور کنید آخر قشم را چه به کودک؟! خب... البته که حق دارید اینگونه فکر کنید. آنقدر از قشم و بازارهایش شنیده‌اید که فکر می‌کنید قشم یعنی خرید. با این حال ما اینجا به شما نشان می‌دهیم که خرید تنها بخشی از جذابیت‌های سفر به قشم است و کودک شما مطمئناً جایی جذاب‌تر از قشم نخواهد یافت. چه برسد به شما!

جزیره قشم یک موزه است. یک موزه تاریخ طبیعی! جایی که کودک یا نوجوان مشتاق شما هر آنچه در درس‌های مدرسه درباره جغرافی، محیط زیست و تاریخ زمین یادگرفته را با چشم خود می‌بینید.

قشم اولین ژئوپارک خاورمیانه است. ژئوپارک به سرزمینی می‌گویند که از نظر طبیعت و ساختار زمین‌شناسی، غنی و خاص باشد. از این ساختارهای زمین‌شناسی خاص آنقدر در قشم هست که هر چه بگردید باز هم تمام نمی‌شوند.

برخی از این مکان‌ها غارهای خربس، دره ستارگان، یا تنگه چاهکوه هستند. مکان‌هایی که در اثر هزاران سال فرسایش شکل گرفته‌اند. کودک شما به تجربه می‌بیند که فرسایش میلیون‌ها ساله دقیقاً یعنی چه.

از به غیر از خود جزایر ناز، ساحل آن و دیگر سواحل جنوبی قشم، از تمیزترین سواحل کشور هستند. کودک شما شنی نرم‌تر از این سواحل پیدا خواهد کرد.

راستی احتمالاً لنج دیده‌اید. آن هم در این برنامه‌های مستند تلویزیون. واقعا دوست ندارید یکی از آن‌ها را از نزدیک ببینید؟ آن هم نه یک کاملش را. یکی که در حال ساخت است. لنج‌هایی که نه با نقشه‌های کامپیوتری مدرن بلکه با تجربه گذشتگان این سرزمین ساخته می‌شوند. لنج‌هایی با قابلیت جابه‌جایی چندین تن کالا در دریای طوفانی. کروکودیل دوست دارید؟ مطمئناً نه!! اما اگر بخواهید می‌توانید در قشم چندین تای آن‌ها را در پارک کروکودیل ببینید. هر وقت کودک شما از قشم‌گردی سیر شد به جای این همه گوشت قرمز به او غذاهای دریایی بدهید. گردش علمی است و فسفر هم جزئی از آن. کنار قلعه پرتغالی‌ها یک رستوران کوچک پیدا می‌کنید. اگر قانع شدید که قشم برای کودک شما جذاب خواهد بود حتماً در کنار منظره شبانه دریا اینجا را از دست ندهید.

از غار نمکدان (طولانی‌ترین غار نمکی دنیا) هم نمی‌گوییم از کورکوراکوه و دره تندیس‌ها و حتی سواحل قشم هم حرفی نمی‌زنیم. فقط فکرش را بکنید که اگر کودک شما به جای اینکه همه مطالب را در کتاب‌ها ببیند، خودش یک ستاره دریایی را در ساحل پیدا کند چقدر شاد می‌شود؟! خاطره‌ای که سال‌ها از ذهنش پاک نمی‌شود.

اگر کودک شما از دیدن این همه جای دیدنی خسته نشد، البته که می‌توانید او را با خود به موزه ژئوپارک ببرید. با ورودی تنها ۲۰۰۰ تومان! کافیسیت بروید شهر قشم و بازار ستاره. کنار در شرقی بازار موزه را می‌بینید. یک موزه استثنائی پر از سنگ‌ها و صدف‌ها و ماکت‌های علمی و حیوانات دریایی.

از قشم هر چه بگوییم کم گفته‌ایم. قشم جایی است که نه تنها برای شما جذاب است، بلکه برای کودک کنجکاو شما می‌تواند یک تفریح علمی جالب باشد.

